

روزنامه همدان

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران	
شنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۱ ۱۱ ذیقعدہ ۱۴۴۳ ۱۱ ژوئن ۲۰۲۲ - شماره ۱۹۵۲ - سال ششم	
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضربرب کیفی ۶۷۴	
www.hamdelidaily.ir hamdelidaily@gmail.com newspaper.hamdeli@	
صاحب امتیاز: مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان	سردبیر: فضل‌الله باری
چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱	توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰
نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳	
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۱۲۷۱	

یادداشت‌ها

سکولاریسم و دین در عصر نوین

جامعه سکولار هم گرچه امور دنیوی جامعه را قوانین مدنی تنظیم می‌کنند اما دین رحمانی وایمانی (نه حکومتی) می‌تواند تسهیل و تلطیف کننده وجدانی-عاطفی روابط بین‌انسان‌ها باشد. روشنفکر سکولار کیست؟

روشنفکر سکولار کسی است که تفسیر و نگرشی این دنیایی از جهان دارد و تفسیر بر حل امور دنیوی را در ید توانای انسان‌ها و همین جهان و امکانات آن می‌داند و آن را به‌جای دیگری واگذار نمی‌کند. روشنفکر سکولار الزاما آتئیست یا ضد دین نیست اما دین را امری باطنی و خصوصی- فرهنگی می‌داند و معتقد به انفکاک نهاد دین از نهاد حکومت است.

در سکولاریسم اعتقادات دینی و دین‌داری خاتمه نمی‌یابد بلکه دین به یک انتخاب آزاد و امر ایمانی باطنی بدون کسب مزیتی خاص تبدیل می‌شود. به نظر نمی‌رسد در سکولاریسم تلاشی عمدی و اجباری برای سسنت کردن اعتقادات دینی و خدشه‌دار کردن ماهیت و رسالت اصلی دین صورت گیرد.

اگر تنها از بُعد جدایی دین از دولت به سکولاریسم بنگریم پیش از اسلام هم در زمان ساسانیان است که درهم‌آمیختگی دین با حاکمیت صورت می‌گیرد و جنبش‌های دگراندیش سرکوب می‌شوند؛ اما سکولاریسم نوین و مسدون و باید از سال‌های ۱۵۰۰ میلادی به بعد و پایان حکومت‌های قرون‌وسطایی پی‌جویی کرد که از آن به بعد مردم اروپا به‌تدریج به این آزادی دست یافتند که مختار به انتخاب دین یا بی‌دینی شوند، تفسیر و تعبیر خاص خود را از ادیان داشته باشند، تغییر دین دهند یا ندهند یا به ملمغه ای از آن‌ها اعتقاد یابند.

در دنیای معاصر ما هم با دین هراسی مواجهیم هم با سکولار هراسی. دین هراسی از تجربه تلخ حکومت‌ها قرون‌وسطایی اروپا، کردار و افکار گروه‌های افراطی نظیر داعش و بوکوحرام، عملکرد حکومت‌های امثال طالبان وو… و جوامع سنتی دینی نشات می‌گیرد.

سکولارهراسی بیشتر از طرف کسانی دامن زده می‌شود که به دین و رسالت آن به‌عنوان یک امر ایمانی، انسانی و باطنی و تلطیف کننده روابط بین‌انسان‌ها نمی‌نگرند بلکه دین را وسیله‌ای برای امتیازگیری و تسلط بر مردم می‌پندارند، قلب ماهیت و رسالت از دین می‌کنند و دنیاپرستی و مال‌اندوزی و اقتدارطلبی و تبعیض تحت لوای دین جایگزین رسالت دین‌داری و خداپرستی می‌شود.

طایفه تاریخی

روزی که تهران دارای برق شد



مشکل روشنایی در شهرهای بزرگ در دورانی که تازه جمعیت داشت زیاد می‌شد و شهرنشینی مشکل می‌گرفت مشکلی اساسی بود و دغدغه حکمان برای تأمین امنیت خودشان و مردم. این مشکل تا دوران حاضر هم به اشکال گوناگون ادامه دارد و هنوز هم به‌طور کامل برطرف نشده است.

بیستم خرداد ۱۳۱۷خورشیدی، سال‌ها پس از بازی‌های کودکانه شاه و زنانش با کلید برق، خیابان‌های طهران قدیم برای اولین بار زیر نور کارخانه برق روشن شد و از ظلمات دهشتناک گذشته خود رها شد. درباره ماجراهای تأسیس کارخانه‌ی برق آمده است قبل از ایجاد کارخانه‌ی برق تهران توسط شهرداری، روشنایی خیابان‌های طهران، توسط امین‌الضرب که امتیاز برق تهران را گرفته بود تأمین می‌شد.

برق امین‌الضرب برای تأمین روشنایی خیابان‌ها بیش از دو سه لوله برق کنتینو (۱۱۰ ولت) در چند نقطه‌ی شهر نداشت که یکی در خیابان چراغ‌برق آمیرکبیرآ و دیگری در خیابان فرهنگ بود.این کارخانه‌ها به علت آنکه به‌وسیله سیم هوایی بدون استفاده از ترانسفورماتور برق را به نقاط مختلف می‌رسانید، نقطای که نزدیک کارخانه بودند تااندازه‌ای از روشنایی بهتری بهره می‌گرفتند اما هر قدر سیم برق از کارخانه دورتر می‌شد روشنایی ضعیف‌تر می‌گردید، به‌طوری‌که در آخر خط فاقد روشنی کافی بود، به‌طوری‌که به گفته بعضی باید کبریت زد تا چراغ خیابان را پیدا کرد.

با این کیفیت منازل و امکنه عمومی نمی‌توانست از برق استفاده نمایند و اگر ندرتا استفاده می‌کردند چون کنتور وجود نداشت، برای هر شعله لامپ قیمت معینی گرفته می‌شد. شهرداری تهران تصمیم گرفت که خود مصدر کار شده به ایجاد کارخانه‌ی برق الترانایو (۲۲۰ ولت) پرداخته برق

یادداشت‌ها محصله

نقد و بررسی هایکوهای اسماعیل علی پور

اناری در مشت

است و می‌نشانند. در هایکوهای علی پور مثل هایکوهای ژاپنی نمادها و مجازهای ساده‌ی زیادی دیده می‌شود: «ها هر نسیمی چند برگ اضافه یا موزائیک‌های حیاط» «برگ» مجاز و نمادی از «پاپیز» است. همچنین است که علی پور می‌گوید: «آخرین برگ‌ها بر کف حیات/حیاتی دوباره.» «آخرین برگ‌ها» نیز باید نمادی از «پاپیز» باشد. زبان فارسی مثل زبان ژاپنی، انعطاف‌پذیری بسیاری دارد، بازی با کلمات و انواع و اقسام جناس در نوشتار و گفتار، شعر علی پور را از ارج و ارزش ویژه‌ای برخوردار کرده است. پاپیز خیلی بیش‌تر از بهار، زمستان و تابستان به هایکو نویس الهام می‌دهد: «برگ‌های زردی بر زمین افتاده است چه روز کوتاهی.»

«رودخانه‌ی فصلی» و «شکوفه‌ها» می‌توانند نمادی از «بهار و آمدن تابستان» باشد: «عجله می‌کنند/می‌ترسد دیر برسد/رودخانه‌ی فصلی» خواننده با خواندن این هایکو‌ها تخیل خود را آزادانه رها می‌کند که آیا رودخانه می‌خواهد به دریا و به وحدت وجود برسد، یا می‌خواهد از آن مکان کویری بگریزد؟ او چرا چنین شستابان می‌رود و به چه منظوری تعجیل می‌کند؟ علی پور یک هایکونویس بومی است. یکی از ویژگی‌های خاص هایکوهای علی پور، همین تجربیات زیستمانی و دیارگرایانه و دریایی است: «ماسه‌های ساحل/یا جای پدرش می‌گذارد/کودک بازی گوش» و دیگر از ویژگی‌های هایکو سرا این است که او «باران رنگبری» و «مگس‌ها را نماندنی از «بهار و آمدن تابستان» می‌آورد و «درختان لیمورا» نیز سمبلی از «بهار» در هایکو آورده است: «درختان لیمو/شیرین خوابیدند/بهار رنگ پشور «تگرگ‌ها» را به «تگرگ‌های آسمان» تشبیه می‌کند. علی پور با این کار هایکوی خاص خود را در پنجره نشانده

داستانک

حسرت‌ها

زیر گرفته شد و به آرزویش نرسید و این حسرتی شد برای اعضای خانواده و بعدها نوه‌اش.

قنبر آرزویش این بود کمی لاغر شود تا بتواند سیر پیاده‌روی کند اما آب هم می‌خورد چقای می‌شد تا جایی که در سن نه‌چندان بالا مجبور شود زیر تیغ جراحی برود برای لاغری و حسرت‌بدل همان‌جا در بیمارستان جان داد و رفت سینه قبرستان.

حاجی ماه جان حسرت‌به‌دل دیدن پسرش بود تا شاید روزی سالم برگردد. می‌گفت بچه بود که رفت جبهه و امیدوار بود هر جا هست حالش خوب باشد؛ اما از پسرش خبری نشد تا حاجی از دنیا رفت با یک دنیا آه و حسرت. تا دو سال قبل هر وقت



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

هوکو (hokku: صدور شعر) یا های کو (haiku: بازی شعر) و یا های کای (haikai: بازی مناسب) از بطن شعر اروتیکی (همانگی تن و روان و وجدان شهبوی برافروخته) به نام «تنکا» که قطعه‌ای پنج سطری بود، سرکشید. تنکا در قرن ۷ و ۸ در ژاپن کهن استارت زد. در تنکاهای عاشقانه، آرایه‌های کلامی و ادبی بیش از هایکو شعر و عشق جسمانی وجود داشت اما در هایکو عشق خصوصی و انفرادی کم‌تر یافت می‌شود. هایکو عریان و ساده و عمیق است. هایکو نویس نمی‌خوانند، عمیق می‌نگرد. هایکو جوانگاه سخنوری نیست. در هایکو اصولاً صور خیال‌های تشبیه، استعاره، مجاز بسیار کم‌تر دیده می‌شود چون هایکو بر چهره‌اش سرخاب و سفیداب نمی‌مالد و به تصنع دچار نمی‌شود. گاهی هایکو دچار تشخیص و استعاره‌های مکنیه می‌شود، چون می‌خواهد به جلوه‌های طبیعی، به حسرات، پرندگان، به جانوران به گل‌ها و درختان و به کوه و ماه و آفتاب، به مه و برف و بوران و باران جان بدهد: «تگرگ‌ها به جان هم افتاده‌اند/تگرگ‌های آسمان».

اسماعیل علی پور گاهی از ابزار شعری در هایکو کار می‌گیرد. هایکونویس به «تگرگ‌ها» جان بخشیده و آن‌ها را استعاره کرده است و در سطر دوم از کنایه «سه جان هم افتادن» استفاده می‌کند اما از آن هنجارشکنی کرده است و آن را در دو معنی به کار می‌برد و در نهایت علی پور «تگرگ‌ها» را به «تگرگ‌های آسمان» تشبیه می‌کند. علی پور با این کار هایکوی خاص خود را در پنجره نشانده

پیمای از معشوق به عاشق تنها،» زمستان در هایکوهای علی پور معمولاً در میان فصل‌های دیگر بازتاب بسیار ناچیزی برای این شاعر جنوبی بازی می‌کند. هایکوهای سه سطری علی پور اندیشه‌های فلسفی گوناگونی را در این دایره‌ی محدود واژگانی به اجرا می‌گذارند. برخی از مضامین موردتوجه و دلخواه شاعران هایکو سرا کوتاهی عمر، مرگ، پیری و نفوذ نیرومند آیین بوداییی ذن (zen) با تأکید مؤکد آن بر عرفان کریشنامورتی و نظاره‌ی احوال و حالات درونی سست که در بخش بزرگی از این‌گونه هایکو‌ها بروز می‌کند: «باغ ذن/تکای بهشت با چشمانی بسته.» یکی از بختیاری‌های هایکوسرای ایرانی مثل علی پور آن است که عرفان ایرانی با آیین بودایی، ذن، فصل‌های به‌تقرب مستترکی دارند. تفاوت اصلی ذن با عرفان اسلامی و ایرانی در مرادبازی‌های اسلامی تفاوت‌های آشکاری دارند؛ و همچنین هایکوهای ژاپنی و علی پوری جزئی‌نگرانه‌تر از عرفان ایرانی و اسلامی است.عرفان اسلامی گاهی شهادت‌طلبانه و تناقض‌های بیش‌تری با هایکو ژاپنی دارد. هایکوسراهای ژاپنی مثل حلاج و نعمت‌الله ولی و امثالهم خود را شاه و سلطان نمی‌دانند و در مقابله با حکومت‌های جابر ردای مرگ بر تن نمی‌کنند. آن‌ها هستی و نیستی را یکی می‌دانند و عشق را در حاشیه می‌یابند. از این منظر علی پور رو به ذن و آیین بودایی آورده است: «بیل‌های آخر را تندتر می‌ریزند/ چه گردوخاکی کرده‌اند.» هایکوهای علی پور دنبال «رنگی از زندگی» و مرگی زندگی‌بخش است: «دنبال رنگ زندگی لغفتار می‌دهم اناری در مشت.»

زیادداشت‌ها

غازی ز بی شهادت اندر تک و پوست وان را که غم تو کشت فاضلتر ازوست فردای قیامت این بدان کی ماند کان کشته دشمنست و آن کشته دوست؟

منتخب تکلمات

مزج اختیاری:

در آمیختن، مخلوط کردن – یعنی دو نفر به اراده و اختیار پاره‌ای از اموال خود را مزوج کنند. مال مزوج مشترک خواهد شد.

مجازستان

- چرا سعی می‌کنید بعد از اشتباهتون جوری طبیعی رفتار کنید که انگار چیزی نشده؟ چرا به‌جای عذرخواهی با «تو بد برداشت کردی و من قصد بدی نداشتم» اوضاع رو بدترش می‌کنید؟ **(چهارپار دیببشت)**
- به دوستتم گفتم گریه‌ات دختره چرا اسمشو فرید گذاشتی، برگشته میگه مدرسه که نمی‌خوام ثبت‌نامش کنم، مهم نیست:))
- از یه جایی به بعد اکتیفر از آزمایشی که توقع نداری لطمه می‌خوری که ناخودآگاه از اون‌ی که بیشتر ادعا داره بیشتر می‌ترسی و دوری می‌کنی و دیگه تو هر خوبی و لطفی که می‌بینی دنبال به دلیل قانع کننده می‌گردی. **(رئیس مافیا)**
- کاش هروقت خوستیم ترک تحصیل کنیم، دانشگاه به هزینه اضافی‌ای ازمون می‌گرفت این چند سالی که از عمرمون اونجا تلف کردیم رو بهمون برمیگردوند **(کتورج جلونی)**

زیادداشت

منشأ راز حیات در زمین کشف شد

محققان فکر می‌کنند که به چگونگی شکل‌گیری بلوک‌های اولیه حیات در زمین و شاید مرئیخ پی برده‌اند. منشأ حیات روی زمین یکی از اسرار بزرگ علم است، اما تحقیقات جدید می‌گوید که پاسخ آن نزدیک است

که نه‌تنها یک دانش‌آموز دبیرستانی در کلاس شیمی می‌تواند آن را بازتولید کند، بلکه ممکن است یکبار در مریخ باستان نیز رخ‌داده باشد. یک پژوهش که در «بنیاد

تکامل مولکولی کاربردی» انجام‌شده و در مجله- *Astro-biology* منتشرشده است، ادعا می‌کند که «شیشه گدازه بازالت» یا «شیشه آتش‌فشانی»، کلید تشکیل RNA است که یک‌شکل ساده‌تر از DNA است که بسیاری معتقدند ماده اولیه لازم برای توسعه حیات است. «استیون بنر» یکی از نویسندگان این مطالعه می‌گوید: جوامعی که منشأ حیات را مطالعه می‌کنند در سال‌های اخیر به اختلاف خوردماند و اغلب آن‌ها سوالات کلاسیک را با شیمی پیچیده که نیاز به مطالعات شیمیایی بررسی دارد و توسط شیمی‌دانان ماهر انجام می‌شود، بررسی می‌کنند؛ اما «نسر» و همکارانش می‌گویند که پاسخ، بسیار ساده‌تر است. مولکول‌های RNA تا ۰۰ نانوکلوئید به‌طور طبیعی زمانی تشکیل می‌شوند که «نوکلئوزید تری‌فسفات‌ها» یا گدازه‌های شیشه آتش‌فشانی که در آن نفوذ می‌کنند، برهمکنش می‌کنند. «استیون موزیس» دانشمند شرکت‌کننده در این مطالعه گفت: شیشه بازالتی با آتش‌فشانی در آن زمان در همه جای زمین وجود داشته است. برای چندصد میلیون سال پس از شکل‌گیری ماه، برخورد‌های مکرر همراه با آتش‌فشان‌های فراوان در این سیاره جوان، گدازه‌های بازالتی مذاب را تشکیل می‌داد که منشأ شیشه بازالت

است. این برخورد‌ها همچنین آب را تخییر می‌کردند و زمین‌های خشک را ایجاد می‌کردند و سفره‌های آب یخ یا یخچان‌هایی را فراهم می‌کردند که در آن RNA می‌توانست تشکیل شود. برخورد شهاب‌های متشکل از آهن-نیکل بر سطح زمین اولیه همچنین موجب کاهش اتمسفر می‌شده و شرایطی را ایجاد می‌کرده است که ساخت مولکول‌های RNA را تسهیل می‌کند. «بان اسپاچک» که روی شناسایی پلیمرهای زنتیکی بیگانه در مرئیخ کار می‌کند، در این مطالعه شرکت‌نداشت، می‌گوید: زیبایی این مدل، سادگی آن است. این موضوع می‌تواند توسط دانش‌آموزان دبیرستانی در کلاس شیمی آزمایش شود. مواد را مخلوط کنید، چند روز صبر کنید و RNA را شناسایی کنید. یکی دیگر از عناصر مهم در این معادله شیمیایی، «هورات (سدیم‌متاورات) است که به نام «بوراکس»(borax) نیز شناخته می‌شود و ایجاد ریبوز که همان R در RNA است را مدیریت می‌کند. «بوراکس» همچنین از بازالتی که در همه جای زمین اولیه وجود داشته است، تولید می‌شود. آیا این می‌تواند کلید یافتن حیات باستانی در مریخ باشد؟ شواهد کمی مبنی بر وجود حیات در مریخ وجود دارد، اما ممکن است همیشه این‌طور نبوده باشد. زمانی که مریخ جوان بوده است، یعنی حدود چهارمیلیارد سال پیش، ممکن است شرایطی بسیار مشابه با زمین اولیه را داشته باشد و اگر فرآیندهای شیمیایی در پس پیدایش حیات روی زمین به همین سادگی باشد که این تحقیقات جدید نشان می‌دهد، آنگاه نه‌تنها بعید نیست، بلکه کاملاً ممکن هست که فرآیندهای مشابهی در مریخ باستانی طی شده باشد.مشکل این است که آن شرایط اولیه در مریخ مانند شرایطی که روی زمین پیش رفته، ایجاد نشده است. زمین دارای یک میدان مغناطیسی فعال است که توسط هسته‌ی آهنی جامد زمین که توسط یک هسته بیرونی از آهن و نیکل مذاب احاطه‌شده ایجادشده است.این میدان مغناطیسی، جو زمین را از باد‌های خورشیدی محافظت می‌کند که به‌نوبه خود از زمین در برابر تشعشعات مضر فرابنفش محافظت می‌کند و می‌توانسته حیات اولیه را روی سطح زمین حمایت‌کنند.این در حالی است که مریخ میدان مغناطیسی فعالی ندارد و بنابراین جو آن به‌آرامی توسط خورشید از بین رفته است و سطح این سیاره را برای حیات، آن‌گونه که ما می‌شناسیم نامناسب کرده است و احتمالاً میلیاردها سال است که چنین شرایطی پابرجاست.اما همان‌طور که مریخ فاقد میدان مغناطیسی فعال است، همچنین فاقد صفحات تکنونیکی است که زمین دارد، به این معنی که سنگ بازالتی در سراسر سطح آن مانند پوسته زمین باستانی به گوشه‌راه نیافته است.

دریچه



Dusan Petricic-Serbia